

مجمع عرفان

دوره سی و یکم

۱

مطالعه آثار قلم اعلی

بخش دوم

آثار دوره اسلامبول و ادرنه

(۱۸۶۳-۱۸۶۸ میلادی)



نومبر ۲۰۰۰

مدرسه بهائی بوش

سانتا کروز - کالیفرنیا

سیاسگزاری

سی و یکمین دوره مجمع عرفان

تحت توجهات محفل روحانی ملی بهائیان امریکا
با همکاری

دفتر امور احبای ایرانی-امریکائی
و هیأت امور احبای ایرانی-امریکائی در شمال کالیفرنیا

و

با مساعدت

صندوق یادبود حاج مهدی ارجمند

و

صندوق پژوهشیاری نادیا سعادت

از ۲۵ تا ۲۸ نومبر ۲۰۰۰

در مدرسه بهائی بوش در ایالت کالیفرنیا

تشکیل میگردد

طوبی لمن تفکر فی ما نزل فی کتاب الله المهیمن القیوم

برنامه مجمع عرفان

مدرسه بهائی بوش -- ۲۳ تا ۲۶ نومبر ۲۰۰۰

پنجشنبه ۲۳ نومبر ۲۰۰۰

ورود و نام نویسی

	شام "روز شکر گزاری"	۱۷:۳۰
	مناجات شروع	۱۹:۳۰
	خیر مقدم	۱۹:۴۵
شیلا بنانی	خیر مقدم و اعلانات مدرسه بوش	۱۹:۵۵
بهیه فرحی	اهداف و آرمان مجمع عرفان	۲۰:۱۰
ایرج ایمن	اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی امپراطوری عثمانی در اواسط قرن نوزدهم	۲۰:۳۰
امین بنانی	برنامه موسیقی	۲۱:۱۵
	وقت آزاد	۲۱:۴۰

جمعه ۲۴ نومبر ۲۰۰۰

	تلاوت مناجات و آغاز برنامه روز	۸:۴۵
	اعلام برنامه روز	۸:۵۰
بهیه فرحی	مثنوی مبارک	۹:۰۰
معین افغانی	تنفس	۱۰:۰۰
مهیاد رهنمائی	لوح احمد (به زبان فارسی)	۱۰:۱۵
	تنفس	۱۱:۱۵
	مروری بر کتاب بدیع (بخش اول)	۱۱:۳۰
قاسم بیات	ناهار	۱۲:۳۰

۱۴:۳۰ شرحی درباره "سوره رئیس"

پیروز خوروش

و لوح "گل معنوی"

تنفس ۱۵:۳۰

۱۵:۴۵ شرح درباره "لوح نصیر" و "لوح اشرف"

محمد صادق فرهنگی

تنفس ۱۶:۴۵

۱۷:۰۰ مضامین منتخبی از الواح نازله

حبیب ریاضتی

در ادرنه (بخش اول)

شام ۱۸:۰۰

۲۰:۰۰ گفتگو و طرح سؤالات مربوط به برنامه های روز

۲۱:۰۰ برنامه شعر و سرود و موسیقی

۲۱:۳۰ وقت آزاد

شنبه ۲۵ نومبر ۲۰۰۰

۸:۴۵ تلاوت مناجات و آغاز برنامه روز

بهیه فرحی

۸:۵۵ اعلام برنامه روز

علاء قدس

۹:۰۰ مروری بر لوح سلطان

تنفس ۱۰:۰۰

۱۰:۱۵ مضامین منتخبی از الواح نازله

معین افغانی

در ادرنه (بخش دوم)

تنفس ۱۱:۱۵

۱۱:۳۰ الواح مربوط به عهد و میثاق نازله در ادرنه

آزاده مهندسی_فارس

ناهار ۱۲:۳۰

حشمت شهریاری

۱۴:۳۰ شرحی درباره لوح احمد (عربی)

تنفس ۱۵:۳۰

سهیلا افغانی

۱۵:۴۵ شرحی در باره سوره ملوک

	تنفس	۱۶:۴۵
قاسم بیات	مروری بر کتاب بدیع (بخش دوم)	۱۷:۰۰
	شام	۱۸:۰۰
	برنامه مخصوص بمناسبت "یوم میثاق"	۲۱:۰۰

یکشنبه ۲۶ نومبر ۲۰۰۰

	تلاوت مناجات و آغاز برنامه روز	۸:۴۵
بهیه فرحی	اعلام برنامه روز و اعلانات	۸:۵۵
	مضامین منتخبی از الواح نازله	۹:۰۰
معین افغانی	در ادرنه (بخش سوم)	
	تنفس	۱۰:۰۰
علاء قدس	شرحی درباره لوح عبدالرزاق	۱۰:۱۵
	تنفس	۱۱:۱۵
	مضامین منتخبی از الواح نازله	۱۱:۳۰
حبیب ریاضتی	در ادرنه (بخش چهارم)	
	ناهار	۱۲:۳۰
	خاتمه برنامه	

نظامت اجرایی برنامه : بریه فرحی

معرفی مختصر مباحثی که در
مجمع عرفان
سال ۲۰۰۰ در مدرسه بهائی بوش
مطرح میگردد

مروری بر مباحث کتاب بدیع نازله از قلم جمال اقدس ابهی	محمد قاسم بیات
مختصری درباره لوح احمد	حشمت الله شهریاری
سوره رئیس	پیروز خوروش
مسئله ایمان و اختیار (لوح احمد فارسی)	مهیار رهنما
لوح مبارک اشرف	محمد صادق فرهنگی
لوح مبارک نصیر	محمد صادق فرهنگی
لوح گل معنوی	پیروز خوروش
سوره ملوک	سهیلا افغانی
لوح مبارک سلطان	علاء قدس
لوح باعزاز عبدالرزاق	علاء قدس
الواح مربوط به عهد و میثاق	آزاده مهندسی

کتاب بدیع و یا رساله بدیع در سال ۱۲۸۳ هجری قمری در ایام سرگونی جمال قدم در ادرنه (ارض سر و سجن بعید) نازل گشته است. این کتاب در پاسخ به ایرادات و جهت رفع شبهات میرزا مهدی گیلانی (رشتی) بزبان دوست قدیم وی آقا محمد علی تنباکو فروش اصفهانی که از خدام مبارک بود نازل شده است. در این مقاله کوتاه سعی نموده ایم مروری بر جنبه های تاریخی این رساله نموده و تعدادی از مباحث کثیر مندرجه در آن را معرفی نمائیم و شائقان درک بیشتر حقائق آنرا بمطالعه اصل این کتاب وزین واگذاریم.

اهمیت و ویژگی کتاب بدیع

مظاهر، ظهور الهی در همه ادوار اقدام به ابلاغ رسالت خویش و دفاع از آن و رد شبهات مترددین و مخالفین و معرضین کرده اند و کتب مقدسه گذشته و آثار و الواح نازله از قلم حضرت نقطه اولی مملو از بیانات آنانست. در این دور اعظم شدت و ابعاد این مقابله علما با امرالله و سوالات فراوان خلق در مدت بیش از چهل سال از حیات عنصری جمال قدم سبب نزول آثار و الواح فراوان و متنوعی از قلم اعلی گردید که هر یک در نوع خود بینظیر است.

ویژگی کتاب بدیع از سه جنبه است:

اول آنکه چون این کتاب در پاسخ به شبهات و ایرادات ازلیه نازل گشته از اینرو مخصوص اهل بین و بجهت اقناع آنان عموما استدلال به آثار و بیانات حضرت اعلی مینماید. ثانیاً خبر ظهور من یظهر الله و دلائل حقانیت وی را جبراً و عموماً به بابیان اعلان و ابلاغ میکند. ثالثاً حضرت حق حقائق روحانی و عرفانی این دور جدید را با استناد به آیات حضرت رب اعلی بیان میفرمایند که این خود شایسته توجه است چه که این اثر شریف کلیدی است برای درک مضامین قامض آثار حضرت نقطه اولی و پلی است میان آثار این دو مظهر ظهور الهی.

در این اثر شریف جمال قدم از زبان خادم خویش به شبهات و افتراءات ازلیه در حمله بنفس خویش و امر الهی با قاطعیت پاسخ گفته اند و از دلائل عقلی و نقلی و ذکر وقایع تاریخیه و امثله و آیات و احادیث مدد گرفته تا فکر و قلب و روح متحرّیان را تسکین بخشند. گر چه این پاسخ به میرزا مهدی گیلانی است ولی اعتراضات وی همانگونه که از بیانات حق در این رساله برمیآید در حقیقت مجموعه ای از اعتراضات میرزا یحیی و سید محمد اصفهانی به جمال قدم و امر جدید است. از اینروست که پاسخ بدان مفتریات و شبهات در نظر حق چنین مهم آمده تا نیاز به تقریر رساله ای چنین مفصل و وزین داشته باشد.

در این رساله و در این ایام است که حضرت حق اهل بیان را با عبارت "یا ملاء الطغیان و الکفران"

مورد خطاب قرار میدهند. لحن کلام حق در سالهای بعد که بتدریج گروه کثیری از اهل بیان موفق به شناسائی امر جدید گردیدند حاکی از رضایت بیشتری از آنان است. امید است که این مقاله مختصر در تعمق و تفکر یاران به درک مطالب متنوع این رساله مفید واقع گردد.

مختصری در باره لوح احمد

حسنت الله شهریاری

حضرت ولی عزیز امرالله در کتاب قرن بدیع، لوح احمد یزدی را یکی از آثار جمال قدم دانسته اند که در بحبوحه عصیان و طغیان میرزا یحیی و حتی قبل از آنکه فتنه و انقلاب باوج کمال رسید از یراعه حضرت بهاء الله صادر و در آن اصول امریه و مبادی سامیه روحانیه مربوط باین امر اعظم تبیین و تشریح گردیده است. این لوح مقدس در حدود سال ۱۸۶۵ از کلک مطهر جمال اقدس ابهی بافتخار جناب احمد اهل یزد نازل شده است و شاید کمتر بتوان لوحی در بین الواح جمال مبارک زیارت نمود که باندازه لوح احمد تلاوت شده باشد. علت این امر قوه و قدرت عجیبی است که در متن این لوح نهفته است و بهمین دلیل این لوح منبع بزبانهای مختلف ترجمه و احباً در سراسر جهان در مواجهه با معضلات و ناملازمات زندگی با تلاوت آن تقویت قوای روحی حاصل نموده با قلبی مطمئن و روحیه ای قوی توانائی رفع مشکلات را احساس و آنرا چون مرحمی شفا بخش برای التیام جراحاتشان و آرام بخشی قوی در رفع تألمات روحیشان بکار میبرند.

جناب احمد اهل یزد و حدود یکصد سال عمر کرد. ایشان از عنفوان جوانی اشتیاق شدید به مسائل عرفانی و روحانی نشان میداد و آرزویش ملاقات قائم موعود بود که بالاخره در زمان توقف کوتاه باب اعظم در کاشان باین آرزو نائل آمد و بعداً بحضور جمال اقدس ابهی در بغداد مشرف شد و مورد عنایات لاتحصی قرار گرفت. در موقع حرکت جمال قدم بسوی اسلامبول بامر مبارک و برای حفظ و صیانت یاران در بغداد باقی ماند و شدت و حدت اشتیاقش برای زیارت جمال مبارک، بحدی رسید که تصمیم سفر بسوی ادرنه نمود، لوح مبارک احمد از قلم مبارک بنام او صادر. و از متن لوح استنباط نمود که جمال قدم برای او سفری دیگر اراده فرموده اند و آن حرکت بسوی ایران و ملاقات و حمایت یاران آن سامان است. بنابر این بدون تأمل باین سفر مبادرت کرد و تا آخر حیات در ایران بخدمتاتی برجسته و شایان مشغول شد و بالاخره در سال ۱۹۰۲ یعنی ده سال بعد از صعود جمال ابهی دار فانی را وداع گفت و به ملکوت ابهی شتافت.

حضرت بهاء الله در طی این لوح مؤمنین را مخاطب قرار داده تلاوت آنرا با فضیلت و اهمیّت بیشمار مقرون دانسته اند. بالاخص دو عبارت آن که اکثراً مورد توجه و سؤال یاران عزیز بوده و هست یکی آیه "و کُنْ كَشْعَلَةً نَارٍ لِّلْعَدَائِي وَ كَوْثَرَ الْبَقَاءِ لِاحِبَائِي" و دیگری "فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ قَدَّرَ لِقَارَنِهِ أَجْرَ مِائَةِ شَهِيدٍ" است که

در ضمن تحلیل مطالب این لوح بحث فهم و استعداد خود بیان خواهد گردید.

سوره رئیس

پیروز خورش

سوره (لوح) رئیس ص ۸۷ مجموعه الواح و نیز Revelation of Baha'u'llah, Vol. 2, P.411 بافتخار حاجی محمد اسماعیل کاشانی (ذبیح، انیس) نازل شده است.

ایشان دو برادر ناتنی داشتند برادر بزرگتر حاجی میرزا جانی کاشی معروف به پرپا است که ورود حضرت اعلی را بکاشان از دروازه عطار بخواب می بیند و آنقدر آنجا می نشیند تا بحضور برسد و با دادن هدایای فراوان بسواران و مأموران اجازه پذیرائی از حضرت در خانه خود در کاشان بمدت سه روز که مصادف با نوروز هم بوده میگیرد. برادران کهنتر در این زمان بحضور میرسند و مورد لطف و عنایت واقع میگردند. حاجی میرزا جانی بعدها در طهران بشهادت میرسند. برادر دیگر حاجی احمد کاشی است که مخاطب لوح فارسی است و بعدها ببیراهه میافتد.

حاجی محمد اسمعیل بعد از اعلان امر با پیگیری و تفحص زیاد... بشدت مشتعل برای زیارت بادرنه... مصادف با محاصره خانه شده و نمیتواند بحضور برسد. ولی طبق نظر حضرت بهاء الله به گالی پلی رفته و در حمام عمومی مشرف میگردد. پس از بازگشت تماماً وقت را بنشر نفحات میپردازند. کامران میرزا نایب السلطنه و حاکم طهران را هم تبلیغ میکند (در موقع بازجوئی) سپس بقزوین و تبریز وفات در آنجا ۱۸۸۰/۱

الواح چندی دارد در یکی او را مأمور بخدمت... که " خداوند او را باین قصد اساسا خلق کرده است". و در لوحی خطاب بفرزند او غلامعلی، او را در ردیف شهدا در پیشگاه خداوند و بالقاب ذبیح و انیس مفتخر. زبان سوره عربی و در جواب پرسشهای انیس در مورد روح و نفس ناطقه بوده است. شأن و انگیزه نزول بنظر میرسد که در آن شرایط منزل خطبه سوره را بنام وزیر بزرگ شروع کرده تا بعد بشرح پرسش سائل برسند.

محل نزول: از قریه کاشانه شروع و در گیاورکوی تمام میشود که این دو آبادی بین ادرنه و گالی پلی هستند.

زمینه نزول: تغییر سیاست وزیر با فتنه انگیزیهای سفیر ایران، روحی کرمانی و مدیر روزنامه اختر اسلامبول و سید جمال الدین افغانی بصورت دستور ناگهانی و سریع حرکت از ادرنه، ظاهراً بمقصدی نامعلوم درمیاید. محاصره بیت و خانه بستگان و اجبا بطوریکه شبی غذای خوردنی هم نداشتند. این رفتار خشونت آمیز و

بی ادبانه حضرت عبدالبها را آشفته میکند و ایشان مأموران را سرزنش میکنند ولی بهر حال دستور از بالا بوده در این موقع است که حاجی محمد اسماعیل بآنجا میرسد و چون نمیتواند مشرف شود، عریضه‌ای عرض میکند و حضرت باو پیام میدهند که بگالی پلی برود در آنجاست که در عمومی بحضور معبود میرسد.

بررسی لوح: ابتدا خطاب و عتاب مهمی بوزیر است از این قبیل (مضمون) که گمان مبر خرناسه‌های خوک مانند تو و عوعوی اطرافیات خداوند را از اراده باز میدارد که بندگان مقبل حیات نو یافته‌اند... که کاری کرده‌ای که محمد ص نوحه میکند... که گمان برده‌ای میتوانی شعله‌ امر را خاموش کنی! بلکه بآنچه تو کرده‌ای لهیب و اشتغال امر بحکم قضا بزودی محیط ارض و ساکنان آنرا فرا میگیرد...

بزودی ارض سر و محدوده آن از دست سلطان بدر می‌رود. لرزه بر ارکان حکومت... ظهور فساد و اختلاف بر اثر این کار تو خواهد افتاد تا آنجا که بر شما سنگهای کوهها و درختان تپه‌ها هم نوحه کنند، خونها جاری شود و مردم در اضطراب عظیم بیفتند.

غرور امپراتور ایران را در روزگار محمد ص بیاد او میاورند و جسارت فرعون را در مقابل موسی و عمل فساد آمیز نمود بر ابراهیم... که قبلاً هم باو در تینا و زیتا ظاهر شده‌اند... (توضیح در آخر)

می‌فرمایند بزرگی و جلال امر و مظهر آن چنانست که اگر خود را چنانکه هست بنمایاند جمیع خلق مدهوش و فدای راه او خواهند شد ولی او نظر بضع خلق می‌نماید و ملاحظه می‌کند. که این غلام "برای زنده کردن عالم و یگانگی اهل همه زمین آمده، پس باشد که اراده خداوند چیره شود و زمین بهشت برین گردد..."
قل قد جل الغلام لیحیی العالم و بتحد من فی الارض کلها. سوف یغلب ما اراد الله و تری الارض جنه الابهی. کذلک رقم من قلم الامر علی لوح قویم."

سپس می‌فرمایند چگونه در محاصره سربازان بوده‌اند که همه راهها را بسته و حتی آنها را بدون قوت گذاشته بودند. در حالیکه اگر خون ما را در راه حق بر این ارض بریزند، آرزوی من و دوستان مرا جامه عمل پوشانده‌اند. شدت سختی‌ها بحدی بوده که مردمان در حول بیوت جمع و از این ظلم می‌گریستند... که تأثر و ناله نصاری ممتاز از بقیه اقوام بوده است. سختی بآنجا می‌کشد که یکی از احبا (حاجی جعفر) بدست خود بقطع حنجره خود مبادرت می‌کند که شاهد این آزار نباشد. همچنان که نظیر این عمل در عراق واقع شده بود... که این چنین وقایع (بی سابقه و) مختص باین ظهور و نشانه‌ای از شدت و قدرت آن است. بعد اضافه می‌فرمایند گرچه این عمل خلاف دستور خداوندی است ولی از آنجائی که این اشخاص بعلت شدت علقه و غلبه احزان وارده بر جمال قدم بوده‌اند مورد نظر غفران و عفو هستند... چه نیکو است حال کسیکه جوهر معانی را از محیی امم می‌چشد و از زلال این خمر لذت می‌برد و... گمانش به یقین تبدیل می‌شود. سپس اشاره

بموضوع سؤال حاجی محمد اسماعیل می کنند در مورد نفس که مقامات متعدد دارد: ملکوتی، جبروتی، لاهوتی، الهی، قدسی، ملهمه، لواحه، راضیه، مرضیه، اماره و غیره... بدانکه حیات انسان از روح او است و توجه روح بجهات بی جهتی است (عطار: هر کبوتر میپرد زی جانبی وین کبوتر جانب بی جانبی) می فرمایند بدانکه نفس دارای دو جنبه است. اگر در هواهای دوستی و رضای رحمان بپرد الهی و اگر تابع تمایلات و هواهای جسمانی باشد شیطانی است... آنکه مشتعل بنار محبت الله است مطمئنۀ مرضیه و آنکه بنار هوی است اماره... بدانکه روح و عقل و نفس و سمع و بصر حقیقت واحده الهی هستند که باسباب مختلفه متأثر شده و عمل می کنند. آنچه که انسان درک می کند، بآن میجنبند. سخن می گوید، می شنود یا می بیند در ذات همگی نشانه های خداوند واحد است که در اعراض مختلف شده اند.

بالاخره سوره با مناجاتی زیبا ختم می شود که در آن تقاضای استقامت شده است. انذارات این سوره بانضمام سور ملوک سرمنشاء تغییرات شگرف و واژگونی حکومتها و بطور خلاصه بلرزه افتادن انظمۀ جهانی است.

لوح مبارک احمد فارسی (مسأله ایمان و اختیار) مهیاد رهنمائی

این اثر مهیم قلم اعلی در ادرنه به افتخار حاجی میرزا احمد کاشانی برادر ناتنی دو تن از مؤمنین اولیه یعنی حاجی میرزا جانی و حاجی محمد اسماعیل ملقب به ذبیح نازل شد.* در این مقاله سعی شده که با دیدی عمیق تر به مسأله "ایمان به مظهر حق" بیشتر بصورت یک امر اختیاری و نه فقط یک موهبت یزدانی پرداخته شود. حیات شخص حاجی میرزا احمد این مسأله را بصورت روشن تری به ذهن متبادر می کند. با همه مواهب ظاهری مثل درک محضر مظهر امر بمدت نسبتاً طولانی، مفتخر شدن به دریافت لوح مخصوص، حضور دو بردار موقت و مؤمن، در آخر امر عهد و پیمان الهی را می شکنند و به جمع ازلیان می پیوندند.

مطالعه این لوح، که در نهایت شیوایی و استفاده از مثال ها و نمادهائی که در طبیعت و هیکل انسانی وجود دارند نازل شده، مطالب زیر را بطور اجمالی روشن می کند:

۱. مخاطبین لوح: در این لوح علاوه بر شخص احمد که چهاربار بطور مستقیم مورد خطاب واقع شده است، "مؤمن مهاجر"، "عباد یابندگان"، "اهل بیتان" و "طالبان طریق" هم مورد لطف ندای الهی واقع شده اند. بنابراین می توان گفت که وجود احمد بهانه ایست برای اینکه با شمول بیشتر بقیۀ اهل ارض هم به شنیدن

* وقایع تاریخی با استفاده از کتاب جناب طاهرزاده (The Revelation of Baha'u'llah, Vol. II)

انذارات و نصایح مشفقانه دوست یکتا دعوت شوند.

۲. محتوای لوح: محتوای کلام در این لوح را که بطور کلی دستور العملی است برای ایجاد و از آن مهتر حفظ ایمان شخصی می‌توان به ۳ دسته تقسیم نمود:

- حذر از اعمال و افکاری که باعث اطفاء نور ایمان می‌شوند که مفصل‌تر بحث خواهد شد.
- تحریض به ایجاد منش و روش‌هایی که ارتقاء درجات ایمانی را ممکن می‌سازد.
- تذکر این نکته که ظهورات مختلفه الهیه که در واقع یک ظهورند و محض فضل صرف و من دون استعداد عباد برای ارتقاء نفوس مستعدده حمل بلایا و شداید کرده‌اند. و گر نه اقبال و اعراض مؤمنین یا غافلین نفع و ضررش به خود اشخاص مرتبط است و در تقدس این مظاهر الهیه از این گونه شوون خدشه‌ای وارد نمی‌شود. چنانچه اگر کل به وصف اوصاف و یا ذم مراتب شمس بپردازند، در افاضه نور و تجلیات حیات بخش آن کوچکترین اثری نخواهد گذاشت. نوع نصائح و انذارات و امثله ذکر شده باعث تقویت این احساس در شخص زیارت کننده لوح می‌شود که دستیابی به ایمان و ارتقاء درجات آن مانند اراده به حصول هر گوهر ارزشمند دیگر (مثل علم و معرفت در علام ناسوت) لازمه‌اش در ابتدا میل و اختیار شخص و در رده‌های بعد همت و عزم جزم و سخت‌کوشی مداوم است. جمال قدم دستورالعمل‌هایی را که ضامن موفقیت در این راه پرفراز و نشیب است را ارائه می‌دهند ولی قبول و اجراء آن بالمره در اختیار فرد است. اوست که در نهایت امتیاز انتخاب میان حق و باطل را داراست و به مقیاس همت مبذول در این طریق، سزاوار و در حین حال مسؤول واقع خواهد شد.

شرحی درباره لوح اشرف

محمد صادق فرهنگی

این لوح مبارک که کلاً بعبری است در هنگام اقامت حضرت بهاء الله در ادرنه بافتخار سید اشرف زنجانی عز نزول یافته است. سید اشرف زنجانی مخاطب این اثر مبارک فرزند آقا میرجلیل جواهر فروش شهید در واقعه زنجان و عنبر خانم که از قلم اعلی بام اشرف ملقب گردیده است می‌باشد. سید اشرف در دوران محاصره قلعه علیمردان خان در داخل قلعه پا بعرضه وجود گذاشته و بهمت مادر مؤمنه خویش با روحیه قوی ایمانی رشد نموده و دوبار بحضور جمالقدم در ادرنه مشرف گردیده و با پشتیبانی و همکاری دائمی و صمیمانه دوستش ابا بصیر بفعالیتهای تبلیغی قابل ملاحظه‌ای نائل و بهمراهی دوست خویش «ابا بصیر» در زنجان برتبه شهادت فائز و از قلم اعلی بنزول زیارتنامه مفتخر گردیده است.

محتویات لوح حاکی از نزول آن در ادرنه است. در این لوح حضرت بهاء الله خطاب بملاء بیان متذکر

شده‌اند که شما را برای شناسائی خود اختصاص داده‌ایم لکن اعراض شما بمقامی رسیده که قیام بقتل ما کرده‌اید. در اوائل لوح جمالقدم جل جلاله به سید اشرف مقام یوم را تعلیم داده و متذکر شده‌اند چنانچه نفوس و حتی ممکنات با تقوی و خلوص کامل دست تمنا به سوی قادر متعال بلند کنند و از خزائن آسمانها و زمین طلب نمایند دعایشان قبل از فرود آمدن دستهایشان بزیور قبول و اجابت مزین خواهد شد. سپس تعلیم می‌فرمایند که حق جل جلاله در هر نفسی استعداد و استطاعت شناسائی مظهر ظهور و آثار الهی را بودیعه گذاشته است و هم‌چنین حضرت باری‌عالی هیچگاه بر بندگان فوق طاقت آنها امری را تحمیل نمی‌فرماید. در قسمت دیگری از این لوح مبارک حضرت بهاء الله بیان می‌فرمایند که امر میارکش بنحوی ظاهر شده است که کور مادرزاد قادر بدرک و شناسائی آن است و سپس یادآوری می‌نمایند که کوری ملاء بیان بدان اندازه است که چنین امری را ادراک ننموده‌اند. جناب سید اشرف در خاتمه لوح مأمور گشته‌اند که این اثر مبارک را برؤیت همه مؤمنین بمرش برساند و سرگذشت آن محیی امم را در رابطه با آنچه که از دست بیوفایانی که بامر او خلق شده‌اند کشیده‌اند باطلا‌عشان برسانند. در خاتمه لوح جناب سید اشرف مأموریت یافته است که مراتب لطف و مرحمت حضرتش را بجنابان محمد علی و ابابصیر ابلاغ نماید.

شرحی در اطراف لوح مبارک نصیر

محمد صادق فرهنگی

این لوح نسبتاً طولانی، بافتخار حاجی محمد نصیر قزوینی و در پاسخ بعریضه وی در هنگام توقف حضرت بهاء الله در ادرنه از قلم اعلی عز نزول یافته است. حاجی محمد نصیر قزوینی در اوائل طلوع امر حضرت رب اعلی بوسیله جناب ملا جلیل ارومیه‌ئی از حروفات حی فائز بایمان بامر حضرت اعلی گردید و متعاقباً بامر مبارک حضرت بهاء الله مؤمن و در طی حیات دچار صدمات عدیده شد و باتفاق جناب سمندر در عکا بحضور مبارک مشرف گردیده است. در سال ۱۳۰۰ هجری در رشت زندانی شد و از شدت مصائب وارده در زندان بملکوت ابهی صعود نمود. اشار هنگام حمل جسدش از زندان بمنزل وی جسد را اخذ و چند عضو بدن او را قطع و توهین بسیار نمودند. زیارت‌نامه مخصوص از قلم حضرت بهاء الله در حقش نازل و از قلم مرکز میثاق بلقب سراج الشهداء، مفتخر گردیده است.

این لوح مبارک در پاسخ عریضه حاجی نصیر که از محضر مبارک عاجزانه تمنای روشن نمودن قضیه، اعمال خفیه و نالایقه میرزا یحیی ازل را کرده است نازل گردیده لذا لوح حاوی مطالب مهمه و قابل ملاحظه‌ای خطاب به بابیان است و حضرت بهاء الله با کلمات نصحیه بابیان را دعوت به توجه بوصایای حضرت نقطه اولی فرموده‌اند. / قلم اعلی در این لوح مبارک باهل عالم بپوژه بابیان تذکر می‌فرمایند که حق همه انسانها را کامل

خلق فرموده و توانائی عرفان بمظاهر مقدسه الهیه در آنان بودیعه گذاشته است. و یاد آوری می نمایند که برای مقام ظهور مبارکش از اوّل لا اوّل الی آخر لا آخر شبه و مثلی نبوده و نخواهد بود لذا متذکر می شوند که با ظهور مبارکش عالم خلقت بخصوص عالم انسانی ظرفیت جدیدی برای ظهور استعدادات یافته است. حضرت بهاء الله با بیان اینکه قولی تعالی: "... در ظهور اولم... تجلی فرمودم... تا آنکه بالاخره جسد نیر مرا در هوا آویختند و برصاص علّ و بغضا مجروح ساختند..." لطیفه وحدت حقیقت مظاهر مقدسه الهیه را بیان و تذکر میفرمایند که ناس مکلفند باین حقیقت واحده توجه کرده و گرفتار توهمات جاهلانی که بلباس علم خود را آراسته اند نگردند. حضرت بهاء الله بجناب حاجی نصیر متذکر می گردند که اگر امروز افراد بشری به عبارت اولین و آخرین عامل باشند لکن اقل از لحظه ای در شناسائی هیکل اطهرش توفیق نمایند در نزد حق معدوم کامل اند. سپس بمخاطب لوح متذکر می شوند به تبلیغ امر مبارکش قیام نموده و مفاد لوح را باطلاع همگان برساند و از کسانی که اقدام می نمایند تا با وسوسه های شیطانی او را از امرالله دلسرد نمایند دوری نماید. و لوح را با دلداری بجناب حاجی نصیر در مقابل مشکلات مالی و وعده شمول تأیید الهی خاتمه می دهند.

گل معنوی

لوح: گل معنوی

زبان: پارسی

صادره: ادرنه

مرجع: آثار قلم اعلی جلد ۴

شان نزول و مخاطب:

عنوان لوح بنام دوست و مطلع لله المثل الاعلی است. جالب آنکه این قسمت در چاپهای گذشته نادیده گرفته شده در حالیکه خود مانند خلاصه ای بر مطلب لوح است.

مضمون: مناظره ای است لطیف بین گل معنوی که در رضوان الهی مشهود است با بلبان صوری. در اینکه چگونه این گل با تمام زیبایی و کمال در شکل و رنگ و بو مورد توجه آنان نیست. چه که بلبان صوری هنوز در ذهن خود گل گمگشته حجاز و یثرب را میجویند و ایراد می گیرند که تو چرا در عراق کشف نقاب کرده ای. توجه ندارند که گل می گوید من نه از یثرب و بطحایم (مدینه و مکه، اشاره بعربستان، سرزمین محمد ص)، نه از شام و غیره. ولی هر از چندی سر از جانی بر میاورم و در هر جا هستم. جوینده باید حقیقت مرا بشناسد...

شما ادعای حب مرا می‌کنید و می‌گوئید بلبلید ولی در واقع زاغید. مصداق مثل جغدی هستید که نعیب غراب را بر آوای بلبل مرجح میدانست. چه که همچو شنیده بود و نیز بر آن شنیده بخیال خود خویشتن را بلبل ارانه میداد. در حین این مناظره، بلبلی نورانی و معنوی هویدا و با تمام شور بطواف گل می‌پردازد. حاصل آنکه بلبلان صوری مجازا ببلند- یا روحانی نامیده می‌شوند- بدون اینکه از روحانیت بوئی برده باشند و در واقع زاغ پلیدند. سپس حضرت بهاء الله برای بلبلان انسانی آرزو می‌کند که دوست را هر چه بهتر بشناسند یعنی کمر خدمت بر امر حق محکم بریندند و بسجایای خضوع و خشوع آراسته گردند تا ذیل تقدیس از مفتریات ابلیس طاهر ماند. در حالیکه هر عمل غیر مرضیه بحساب حق گذاشته میشود.

بررسی بر سورة ملوک

سهیلا افغانی

این اثر مهم از قلم جمال قدم پس از جریان مباهله و سقوط میرزا یحیی و فصل اکبر و انفصال جامعه بهایی از ازلی در ادرنه نازل شده است. این لوح مبارک به زبان عربی است. و اکثر آن خطاب به پادشاهان است و سران ممالک را چنان مخاطب می‌فرمایند که گویی سلطان سلاطین عالم یکی از خدام خویش را خطاب می‌فرماید. در این لوح به جمیع این سلاطین می‌فرمایند که آنچه دارند بگذارند و به امر مبارکش اقبال نمایند.

اعلان امر مبارک که از باغ رضوان در بغداد، به جمع کوچکی از بابی‌ها شروع شده و بعد با نزول الواح متعدده خطاب به جامعه بابی ادامه یافته بود، با نزول سورة ملوک به اوج خویش رسید، چه که بواسطه این لوح مهیمن عموم اهل عالم را از طریق سران و رؤسای ممالک به امر مبارک دعوت فرموده و آنها را به تدارک مافات می‌خوانند. در مواضع مختلف این لوح، خطابات خصوصی به امراء و وزراء و سلاطین مختلف فرموده و نصایح متعدده در زمینه حکومت و خدمت به ملت ارائه می‌نمایند، و در عین حال در مورد عدم توجه به ندای حق آنان را انداز می‌فرمایند.

لوح مبارک سلطان

علاء الدین قدس جورابچی

لوح سلطان از آثار قلم اعلی خطاب به ناصرالدین شاه قاجار است که در نیمه دوم اقامت حضرت بهاء الله در شهر ادرنه (سالهای ۸-۱۸۶۳م) از قلم آن حضرت نازل و بعداً در سال ۱۸۶۹م از عکا بوسیله جوانی از جان و سرگذشته و دلیر بنام بزرگ خراسانی که به «بدیع» نامیده و به «فخرالشهدا» از قلم اعلی ملقب شده، برای

شاه ایران ارسال گردید. این لوح مبارک از دیگر خطابات قلم اعلی بطور فردی به ملوک و رؤسای جهان مشروح تر و مفصل تر و تقریباً نیمی از آن بزبان عربی و نیم دیگر بزبان فارسی از لسان وحی جاری شده است. مواضعی که در این لوح مبارک آمده است بطور خلاصه و اجمال از این قرار است که حضرت بهاء الله:

۱. قیام و رستاخیز خود را در ابلاغ امر الهی و نشر تعالیم تازه و بدیع، صرفاً بر حسب اراده و مشیت خداوندی بیان می نمایند و مقام و منزلت خویش را بعنوان فرستاده الهی در این دور و زمان آشکارا اظهار اعلان می فرمایند؛

۲. به بلایا و رزایا و گرفتاریها و مظالم وارده بر خود و پیروانشان در سبیل آئین یزدان اشارت می فرمایند؛

۳. غقیده و ایمان خویش را به وحدانیت الهی و حقانیت و وحدت همه مظاهر مقدسه و فرستادگان یزدانی در گذشته ایام کرارا اظهار و ابراز می نمایند؛

۴. اعمال و رفتار و سلوک خود را در عراق عرب بیان می فرمایند و از نفوذ کلمه الله و تأثیر تعالیم و نصایح الهی در تقلیب ارواح و افکار و اعمال و رفتار و گفتار پیروانشان سخن می گویند؛

۵. در اثبات حقانیت و راستی آئین جدید الهی عقلاً و نقلاً و عملاً بیان مطلب می فرمایند؛

۶. بارها ناصرالدین شاه قاجار را به عدل و انصاف و شفقت و مهربانی نسبت بخود و دیگران دعوت و تشویق می نمایند؛

۷. شاه ایران را درباره عمال و کارگزارانش انذار و هشدار می دهند که آنان بجای تأمین و تعمیم رفاه و آسایش و سعادت ملت، اوقات و مساعی خود را وقف آزار و اذیت و قتل نفوس و تاراج و نهب اموال و دارایی شهروندان بی گناه و پناه و مظلوم مصروف می دارند.

۸. از ناصرالدین شاه بصراحت می خواهند که برای تمیز حق از باطل و شناخت و تشخیص درست از نادرست، ایشان را با علما در انجمنی گرد هم آورد تا اتیان حجت و برهان در حضور سلطان بعمل آید.

۹. در باره عدم خلوص نیت و فقد ادراک و فهم علمای مذهبی سخن می گویند و آنها را "در ظاهر بعلم و تقوی معروف و در باطن مطیع نفس و-هوی"، بر می شمارند.

۱۰. برای آرامش خیال و آسایش خاطر ناصرالدین شاه قاجار و رفع هرگونه سوء تفاهمی و رد هر نوع تهمت و افترا و بهتان از سوی بدخواهان و بداندیشان، قاطعاً و صریحاً بیان می فرمایند که در این آئین نصرت و خدمت تنها و فقط به حکمت و بیان است نه به سیف و سنان.

۱۱. از فنا و نیستی و گذرا بودن این جهان هستی و اهل آن از امیر و اسیر غنی و فقیر و عالم و

جاهل سخن می‌راندند و به فرجام و عاقبت حال سلاطین و رؤسا و علما و دولتمردان و دولتمندان و ستمگران عالم در گذشته ایام، اشارت می‌فرمایند و برای عبرت شاه و دیگران، شاهد و مثال می‌آورند؛

۱۲. ناصرالدین شاه قاجار را گوشزد می‌فرمایند که نه از بلایای وارده در سبیل الهی نالانند و نه از سختی‌های طریق محبت و رضای او در آه و فغان و یادآور می‌شوند و او را آگه می‌سازند که خداوند بلا را چون باران بجهت کشتزار امر خود و مانند روغن برای چراغ آئین خویش مقرر فرموده است.

۱۳. و سرانجام در این لوح حضرت بهاء الله یزدان پاک را حمد و سپاس می‌گذارند و از عنایات او می‌خواهند که این زندان را مایه آزادی ابناء بشری از قید و بند اسارت و بندگی فرماید و اضافه می‌فرمایند که بزودی ابواب رخا بر وجه آئین خدا گشوده شده و گروه گروه از مردم دنیا در آن وارد خواهند گردید.

لوح مبارک باعزاز عبدالرزاق

علاءالدین قدس جورابچی

این لوح مبارک در نیمه دوم دوره اقامت حضرت بهاء الله در ادرنه (بین سالهای ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۸م) از قلم آن حضرت نازل گردیده است.

مخاطب این لوح عبدالرزاق نامی از مؤمنین به حضرت بهاء الله بوده است.

این لوح مبارک در پاسخ به پرسش هایی است که نامبرده در ضمن عریضه ایی، پاسخ آنرا از محضر حضرت بهاء الله خواستار شده است.

این سؤالات بدینگونه است:

الف- در فرق بین قائم و قیوم.

ب- در اینکه آیا بعد از موت، تشخص و ادراک و شعور انسان باقی و جاودان خواهد بود؟

ج- آیا چگونه است که ذکر انبیای پیش از آدم و سلاطین آن ازمنه و ادوار در متون کتب تاریخ نیامده است؟

حضرت بهاء الله قبل از آنکه به سؤالات او جواب عنایت فرماید مقدّماتاً به چگونگی آراء و افکار و

اقوال و اعمال اهل بیان اشارت می‌فرمایند و یاد آور می‌شوند که با آنهمه نصایح و اندرزها از طرف حضرت نقطه اولی در آثار و نوشته های خویش، اهل بیان چه عکس العمل و واکنشی مخالف و ستیزه جویانه از خود ظاهر ساخته و می‌سازند!

از جمله برای مثال و نمونه به حکم محکم حضرت نقطه در کتاب بیان فارسی اشاره می‌فرمایند که آن

حضرت حتی سؤال از من یظهره الله را هم از سوی اهل بیان جایز و روا ندانستند تا مبدا بر آن وجود مبارک

تعبی وارد آید و یا از این رهگذر، حزن و اندوهی او را فرا گیرد.
سرانجام حضرت بهاء الله پس از میان این مقدمه، به پاسخ یک پرسش های سه گانه عبدالرزاق می پردازند.

الواح مربوط به میثاق (ادرنه ۱۸۶۸-۱۸۶۳) آزاده مهندسی فارس

یکی از جنبه های منحصر به فرد دیانت حضرت بهاء الله بنیانگذاری مؤسسه الهی میثاق است. دوره ادرنه برای پیروان حضرت اعلی و جمال قدم در رابطه با عهد و میثاق الهی دوره ای مملو از امتحانات پیش بینی نشده و افتتانات عظیم بود. این دوره در عین حال زمانی است که حضرت بهاء الله اراده می فرمایند که مقام حضرت عبدالبهاء را تشریح بفرمایند و اساس میثاق را بنهند.

اقدام خائنانه ازل برای خاتمه دادن به حیات حضرت بهاء الله، فصل اکبر، ابلاغ امرالله به ملوک و رؤسای ممالک جهان، نمونه هایی چند از وقایع تکان دهنده این دوره است. این وقایع و بعضی رویدادهای دیگر تاریخی نزول برخی آثار الهی را که در آنها جمال مبارک مقام خود را بعنوان من یظهره الله و نیز الواحی را که در طی آنها مقام غصن اعظم را روشن می فرمایند، تسریع نمود.
در اینجا به بررسی لوح مبارک ابنائی، سورة غصن و لوح مبارک سلمان در رابطه با عهد و میثاق الهی می پردازیم.

مجموع عرفان

تشکیل مجامع عرفان به منظور ترویج و تشویق مطالعه و تحقیق در آثار مقدسه ادیان الهی و اصول معتقدات بهائی در سال ۱۹۹۱ آغاز شد. این مجامع همه ساله بطور جداگانه به زبانهای فارسی و انگلیسی در اروپا (ایتالیا و انگلستان) و در امریکای شمالی در مدرسه لوهلن (در میشیگان) و مدرسه بهائی بوش (در کالیفرنیا) برگزار میشود. اولین برنامه آموزشی مجمع عرفان تحت عنوان "مطالعه آثار قلم اعلی" از سال ۱۹۹۷ آغاز شده و دوره آن پنج سال است و هر سال یک بخش از این برنامه اجرا می شود.

بخش اول : دوره طهران و بغداد

بخش دوم : دوره اسلامبول و ادرنه

بخش سوم : دهه اول دوره عکا

بخش چهارم : سالهای ۱۳۰۰-۱۳۰۵ هجری

بخش پنجم : اواخر دوره عکا

برنامه های مجمع عرفان در امریکای شمالی با مساعدت صندوق یادبود حاج مهدی ارجمند و صندوق پژوهشیاری نادیا سعادت، و با همکاری دفتر امور احبای ایرانی- امریکائی محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایالات متحده، تشکیل میگردد.